

اهداف و فواید وحی و نبوت

خداوند در یک جهان بینی گسترده والا و شکوهمند، اهداف بلند و فواید متعددی را در ارسال پیام‌آوران برای شکوفا کردن بنیه علمی و عملی انسان در نظر گرفته است تا او را به «ملاقات خدا» یعنی بالاترین مقام ممکن ارتقا بخشد. برخی از اهداف و فواید نبوت، عبارت است از:

۱-تعلیم دست نیافتنی‌ها

قرآن کریم، تعلیم و تربیت را از اهداف فرستادن پیامبران دانسته است: (کما أرسلنا فیکم رسولاً منکم یتلوا علیکم آیاتنا ویزکیکم ویتعلمکم الکتاب والحکمة ویتعلمکم ما لم تکنوا تعلمون)[۱]؛ آن سان که در میان شما فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما کتاب و حکمت آموزد و آنچه را نمی‌توانستید بدانید به شما یاد دهد .

جمله (ویتعلمکم ما لم تکنوا تعلمون) از معارف و حقایقی خبر می‌دهد که فکر و اندیشه انسان، با همه پیشرفت او در علم و صنعت از دسترسی به آن‌ها ناتوان است و تنها از طریق نبوت و دست آوردهای وحی، می‌توان بر آن‌ها آگاه شد. اگر

[۱] -سوره بقره، آیه ۱۵۱. وحی و نبوت در قرآنصفحه ۱۷۰

پیامبران الهی نباشند، خردهای اولین و آخرین، از ادراک دریای ژرف توحید و معاد بی‌بهره‌اند.

عقل از کجا بفهمد که قیامت، پنجاه ایستگاه و موقف دارد و.... عقل و دانش بشری، هر قدر که پیشرفت و تکامل یابد، باز نمی‌تواند از این نوع معارف اطلاع یابد؛ حتی عقل پیامبران اولوا العزم یا عقل مهتر آنان، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم که عقل کل است. از این روست که خدای سبحان خطاب به آن حضرت فرمود: (...وأنزل الله علیک الکتاب والحکمة وعلّمک ما لم تکن تعلم وکان فضل الله علیک عظیماً)[۱]؛ خداوند، کتاب و حکمت بر تو نازل فرمود و آنچه را تو، ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌توانستی بفهمی (با صرف نظر از وحی) به تو آموخت و تفضل خداوند بر تو همواره بزرگ بود. پس، اگر عنایت پروردگار نبود، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم توان یادگیری برخی مسایل فراطبیعی را نداشت.

قرآن، در جای دیگر، خطاب به ایشان می‌فرماید: (وکذلک أوحینا إلیک روحاً من أمرنا ما کنت تدری ما الکتاب ولا الإیمان ولكن جعلناه نوراً نهدي به من نشاء من عبادنا وإنک لتهدی إلی صراط مستقیم)[۲]؛ وهمین‌گونه، روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم. تو نمی‌توانستی بدانی که کتاب چیست و ایمان کدام است؛ ولی آن را نوری قرار دادیم که هر یک از بندگان خود را بخواهیم، به وسیله آن راهنمایی می‌کنیم، و به راستی، تو به خوبی به راه راست هدایت می‌کنی.

بدیهی است که فعل ماضی منفی (ما کنت تدری)، هرگونه توان فهمیدن را سلب می‌کند. بنابراین، تنها فضل و وحی الهی است که سبب می‌شود تا دریجه‌هایی از جهان غیب به روی انسان باز شود و معارف ناب و حقایق نامتناهی به

[۱] -سوره نساء، آیه ۱۱۳ .

[۲] -سوره شوری، آیه ۵۲. وحی و نبوت در قرآنصفحه ۱۷۱

بشر روی آورد و خرد او را بارور کند.

وانگهی، اگر عقل برهانی به تنهایی برای فهمیدن همه احکام و حکم کافی بود، خداوند نمی فرمود: (رسلاً مبشّرین ومنذّرین لئلا یكون للناس علی الله حجة بعد الرسل وکان الله عزیزاً حکیماً) [۱]؛ پیامبرانی را فرستاد که بشارت گر و بیم دهنده بودند تا برای مردم، پس از فرستادن پیامبران، در مقابل خدا حجّتی نباشد و خداوند توانا و حکیم است. اگر عقل و خرد، به تنهایی برای هدایت بشر کافی بود و به نبوت و وحی نیازی نبود، خداوند در قیامت، تبه کاران را به دوزخ می برد و به آنان می فرمود: من با دادن عقل، حجّت را بر شما تمام کردم؛ در حالی که خداوند می فرماید: ما برای اتمام حجت، پیامبران را فرستادیم تا کسی نتواند در صحنه معاد بر خداوند احتجاج کند.

بنابراین، تعقل در عین لزوم به تنهایی کافی نیست و در بسیاری از آموزه ها راه به جایی نمی برد؛ چنان که آموزه های وحیانی نیز بدون به کار گیری تعقل و آموزه های عقلانی نتیجه نمی دهد. از این رو، ایمان و تعقل، دو دست و بازوی توانمند، و دو بال تیز پرواز برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت به حساب می آید.

بر پایه این جهان بینی، هم خردورزان یک سو به نگر و بی مهران به دین، در گمراهی می کوشند و هم دین باوران عقل ستیز یا بی مهران به عقلانیت محض و تجزیه کنندگان تعقل و تدبیر در اشتباه، و قشری نگرند.

قرآن کریم، آیات فراوانی دارد که اکتفای به عقل و بی نیازی از وحی را نفی می کند: (با أهل الکتاب قد جاءکم رسولنا یبیین لکم علی فتره من الرسل أن تقولوا ما جاءنا من بشیر ولا نذیر فقد جاءکم بشیر ونذیر واللّه علی کل شیء قدير) [۲]؛ ای

[۱] - سوره نساء، آیه ۱۶۵ .

[۲] - سوره مائده، آیه ۱۹. وحی و نبوت در قرآن صفحه ۱۷۲

اهل کتاب! پیامبر ما به سوی شما آمده است تا در دوران و روزگاری که پیامبرانی نبودند، حقایق را برای شما بیان کند تا مبادا در روز قیامت بگوئید: برای ما بشارت گر و هشدار دهنده ای نیامد. پس، قطعاً برای شما بشارت گر و هشدار دهنده ای آمده است و خدا بر هر چیزی تواناست. پیداست که اگر عقلانیت و خردورزی کافی بود، خدای سبحان بایستی می فرمود: ما به شما عقل دادیم و حجّت را بر شما تمام کردیم؛ نه آن که از ارسال پیامبران سخن بگوئید.

در آیه دیگری می فرماید که اساساً قانون خداوند، چنین است که کسی را عذاب و مؤاخذه نکند، مگر این که قبلاً پیامبری بفرستد: (...وما کنّا معدّبین حتی نبعث رسولاً) [۱]. بنابراین، برای رسیدن به هدایت و سعادت، صرف اتکا به عقل بشری و آرای عمومی و بی نیازی از وحی، پنداری خام و جاهلانه است: (أفحکم الجاهلیة یبغون ومن أحسن من الله حکماً لقوم یوقنون) [۲]؛ آیا خواستار حکم جاهلیتند؟ و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی از خدا بهتر است؟

خدای سبحان، گروهی را که به دانش و خردورزی های بشری بسنده کردند و از آموزه های وحیانی رخ بر تافتند و جمود بر علم مادی را بر داده های الهی ترجیح دادند و ایستایی طبیعت را بر پویایی فراطبیعی راجح دانستند، سخت مذمت می کند: (فلما جاءتهم رسلهم بالبینات فرحوا بما عندهم من العلم وحاق بهم ما کانوا به یستهزؤن) [۳]؛ و چون پیامبران شان دلایل آشکار برایشان آوردند، به آن مقدار مختصری از دانش که نزدشان بود، خرسند شدند و سرانجام، آنچه به استهزا و مسخره می گرفتند، آنان را فرو گرفت.

آری، پیامبران به عنوان بهترین دل مایه و موهبت های الهی، برای رهایی بشر از

[۱] - سوره اسراء، آیه ۱۵ .

[۲]- سوره مائده، آیه ۵۰ .

[۳]- سوره مؤمن، آیه ۸۳. وحی و نبوت در قرآنصفحه ۱۷۳

قلمرو طبیعت فرستاده شدند و کار آنان از مجال و محدوده عقل جزئی، بسی بزرگ تر و فراخ تر و گسترده تر است؛ به ویژه که دست آوردهای عقلانی، خطا و اشتباه و تغییر و دگرگونی دارد و همواره فرضیه‌های جدید، جای‌گزین فرضیه‌های گذشته می‌شود. از این جاست که «محقق طوسی»، یکی از فواید برانگیخته شدن پیامبران را تأیید ادراکات عقلی دانسته است: «كمعاضده العقل فيما يدلّ عليه» [۱]. شمارش اشتباهات عقل در همین عصر و فضا، مثنوی هفتادمن کاغذ می‌شود. هنوز در هندوستان، بت پرست وجود دارد و هنوز در آن سرزمین، گاوها مقدّسند و... از این جا به این نکته می‌رسیم که بعثت پیامبران، منت و نعمتی بزرگ است. [وحی و نبوت در قرآن - صفحه ۱۷۲]

۲. تکامل عقل

مهم‌ترین هدف از آموزش و پرورش مردم به دست پیامبران، تکامل عقلانی آن‌هاست: (لقد منّ الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم يتلو عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل لفى ضلال مبين) [۲]؛ به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد که پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد؛ قطعاً پیش از آن، در آشکارترین گمراهی بودند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز در حدیثی می‌فرماید: هدف از بعثت، تکمیل عقول بشر است: «ولا بعث الله نبياً ولا رسولا، حتى يستكمل العقل ويكون عقله أفضل من جميع عقول أمته» [۳]؛ خداوند، هیچ پیامبر و رسولی را جز بر تکمیل خرد، مبعوث نفرمود، و خرد او بالاتر از عقول امت وی است؛ زیرا عقل جمعی، انباشته علوم حصولی و مفاهیم ذهنی است که از صیانت از سهو و نسیان و نزاهت از مغالطه

[۱]- کشف المراد، الفصل الرابع في النبوة، ص ۳۴۶ .

[۲]- سوره آل عمران، آیه ۱۶۴ .

[۳]- اصول کافی، کتاب العقل والجهل، ح ۱۱. وحی و نبوت در قرآنصفحه ۱۷۴

لفظی و معنوی برخوردار نیست، و هرگز مفهوم حصولی ناقص، جای مشهود حضوری کامل نمی‌نشیند و هیچ‌گاه دانش ذهنی معیّب، در جای بینش شهودی سالم قرار نمی‌گیرد؛ هرچند عقل جمعی از برکت مشورت متنعم است و از گزند استبداد مصون، و به واقع بینی نزدیک‌تر از عقل فردی است.

خلاصه آن‌که جامعه بشری در بخش اندیشه و نظر، محتاج به وحی الهی است؛ زیرا آنچه را باید بداند، ولی نمی‌فهمد، به کمک وحی می‌فهمد و آنچه را باید به صورت سالم و کامل فرا گیرد، ولی توان آن را ندارد، به مدد وحی متمیم و تکمیل می‌کند.

۳- برپاداری قسط

برپایی عدل و قسط، از اهداف مهم بعثت است: (لقد أرسلنا رسلنا بالبينات وأنزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط...) [۱]؛ ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به قسط و عدل قیام کنند.

منظور از «بینات» و دلایل روشن، ادراکات عقلی و خردورزی‌های صحیح علمی و نیز معجزات و کرامات عملی است. همچنین مراد از «کتاب»، برخی از معارف و احکام و عقاید و اخلاق و سایر علوم است. «میزان» و معیار صحیح نیز همراه کتاب معصوم است و هیچ میزانی، دقیق‌تر از سیره و روش و راه‌کارهای معصومانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان دین (علیهم‌السلام) نیست.

خلاصه آن که جامعه بشری در بخش انگیزه همانند بخش اندیشه نیازمند سیرت و سنت معصومانه انسان کامل صاحب سریره فرشته‌منش است تا صائنانه علم را عین کند و مخزون نشأه عقل را به مثال تنزل دهد و حافظانه متمثل را مجسم و

[۱] - سوره حدید، آیه ۲۵. وحی و نبوت در قرآنصفحه ۱۷۵

مجسّد کند.

۴. نجات از تاریکی‌ها

رهایی از ظلمات و رسیدن به وادی نور، از اهداف نبوت است که در قرآن کریم به آن تصریح شده است: (...کتاب أنزلناه إليك لتُخْرِجَ الناس من الظلمات إلى النور يا ذن ربهم الی صراط العزیز الحمید) [۱]؛ این کتاب را برای تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی، به فرمان پروردگارشان درآوری؛ به سوی خداوند شکست‌ناپذیر و ستوده.

جهل علمی و جهالت عملی، هر دو تیره است؛ جاهل متهتک، چونان عالم فاجر، گرفتار تاریکی متراکم است و مدعی ارشاد، بدون فلاح علم و صلاح عمل، مغمور در ظلمات انباشته است. تنها کشتی نجات و مصباح هدایت، همانا مشکات نبوت است که از بارگاه تشریف به کارگاه تکلیف اعزام می‌شود تا تیره‌دلان را روشن‌ضمیر، و گمراهان را راهیان نور کند.

۵. پرستش خدا و پرهیز از طاغوت

از اهداف زیر بنایی و بنیادین بعثت انبیا (علیهم‌السلام) فراخوانی مردم به پرستش خدای یگانه و دوری از طاغوت و مظاهر آن است: (ولقد بعثنا فی کلّ أمة رسولا أن اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت... [۲]؛ ما در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم تا به آنان بگوید: خداوند یکتا را پرستش، و از مظاهر طاغوت و شرک پرهیز کنید.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «لیعقل العباد من ربهم ما جهلوه، فیعرفوه بربوبیته بعدما أنکروا، ویوحّدوه بالألوهیة بعدما عَنَدُوا» [۳]؛ خدا پیامبر را

[۱] - سوره ابراهیم، آیه ۱ .

[۲] - سوره نحل، آیه ۳۶ .

[۳] - بحار الأنوار، ج ۴، ص ۲۸۷. وحی و نبوت در قرآنصفحه ۱۷۶

برانگیخت تا بندگان او آنچه از خدانشناسی نمی‌دانند فراگیرند و به پروردگاری او، پس از انکار و عناد، ایمان بیاورند.

محور اصلی دعوت پیامبران، حفظ توحید فطری و طرد هرگونه شرک است؛ چنان که معنای «لا إله إلا الله» نیز به دو قضیه سلبی و ایجابی جدید برنمی‌گردد؛ زیرا معنای کلمه توحید، این است: جز یکتایی خدا که معقول نظر و مقبول عمل است، دیگری منفی است. پس، معنای پرستش خدا و پرهیز و اجتناب از طاغوت، این است که جز عبادت خدای یکتا که معقول عقل نظر و مقبول عقل عمل است، پرستش دیگری منفی و باطل است.

۶. داوری در اختلاف‌های مردم

داوری و رفع اختلاف میان مردم، از اهداف بعثت انبیاست: (كان الناس أمةً واحدةً فبعث الله النبيين مبشرين و مُنذرين وأنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه...) [۱]؛ مردم، امتی یگانه بودند، پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان کتاب خویش را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه باهم اختلاف می‌ورزند، داوری کند.

آیه یاد شده، حاوی دو نکته اساسی است: ۱. بشارت و انذار که هر دو از اهداف بعثت است چون تشویق و تنبیه، دو رکن عمده تربیت نفوس و تأمین‌کننده سعادت آن‌هاست ۲. داوری به حق که بر اساس تعالیم کتاب‌های آسمانی، به ویژه قرآن حکیم است؛ زیرا داوری باید بر اساس قانون کامل صورت گیرد و تنها کتاب‌های آسمانی، دارای قانون کامل است.

از این آیه، استنباط می‌شود که دو سنخ اختلاف در جامعه پدید می‌آید؛ یکی اختلاف پیش از روشن شدن حق که اختلاف طبیعی و محمود است و زمینه‌ی صابه

[۱] - سوره بقره، آیه ۲۱۳. وحی و نبوت در قرآنصفحه ۱۷۷

حق و نیل به واقع است، و دیگری اختلاف پس از روشن شدن حق که اختلافی شیطانی و مذموم است و وسیله فتنه و کتمان حق است، و توضیح آن در تفسیر ترتیبی مطرح است. [وحی و نبوت در قرآن - صفحه ۱۷۶]

۷. دعوت به حیات برتر و سازنده

وحی و آموزه‌های وحیانی، تأمین‌کننده زندگی برتر انسان است: (يا أيها الذين آمنوا استجبوا لله وللرسول إذا دعاكم لما يحييكم...) [۱]؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به چیزی می‌خواند (حیات برتر) که شما را زنده می‌کند.

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «آنچه بشر را زنده می‌کند و حیات جاودان می‌بخشد، ولایت است» و نیز امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ولایت امام، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) و پیروی از او، اجتماع شما را از متلاشی شدن باز می‌دارد و عدالت را در میان شما پایدارتر می‌کند» [۲].

مهم‌ترین عامل حیات معنوی، اعتقاد توحیدی است و چنین اعتقادی، مشروط به ولایت‌مداری است؛ چنان‌که از حدیث شریف «سلسله‌الذَّهَب» برمی‌آید، و اگر احادیثی در ذیل آیه مزبور و مانند آن نقل می‌شود، ناظر به همان اشتراط توحید به ولایت است که بازگو شد؛ البته بازگشت چنان اشتراطی، به پیروی از دستور خدای یکتاست که اهل‌بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) را مرجع هرگونه کارهای علمی و عملی قرار داده است.

۸- یادآوری نعمت‌ها

خدای سبحان در آیات متعددی، یادآوری نعم الهی را جزو دستورهای انبیا قرار داده

[۱] - سوره انفال، آیه ۲۴ .

[۲] - تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۴۱. وحی و نبوت در قرآنصفحه ۱۷۸

است؛ مانند:

یک. (...واذكروا إذ جعلكم خلفاء من بعد قوم نوح وزادكم في الخلق بصطةً فاذكروا آلاء الله لعلكم تفلحون) [۱]؛ به یاد آورید زمانی را که خداوند، شما را بعد از قوم نوح، جانشینان آنان قرار داد و در خلقت، بر قوت شما افزود. پس، نعمت‌های خداوند را به یاد آورید؛ باشد که رستگار شوید.

دو. (...فاذكروا آلاء الله ولا تعثوا في الأرض مفسدين) [۲]؛ نعمت‌های خدا را یاد آورید و در زمین، سر به فساد بر مدارید.

بازگو کردن هدف بعثت، گاهی به این است که مستقیماً مطلبی به عنوان غرض اساسی رسالت قرار گیرد، و زمانی به این است که ضمن بررسی برنامه‌های مبعوثان، مطلبی به عنوان وظیفه اصیل و دستور رسمی آنان مطرح شود؛ و جریان یادآوری نعمت‌های الهی از قبیل دوم است.

۹- سفارش به اخلاق ستوده

سفارش به خصلت‌های ستوده اخلاقی و آداب اجتماعی، از اهداف بعثت به شمار می‌آید. برخی از این سفارش‌ها عبارت است از: احسان به پدر و مادر، ادای حق وزن و پیمان، عدالت در شهادت و داوری، وفا به عهد و پیمان، دوری از شرک، کشتن فرزندان از روی فقر و تنگ‌دستی، نزدیک شدن به کردار زشت و پلشت و ناشایست و آلابیدن دست به خون بی‌گناهان، نزدیک شدن به مال یتیمان جز به قصد اصلاح، دوری از کم فروشی، برپاداری حق و عدالت و تقوا و پاکی و... [۳].

اخلاق به عنوان رابط بین عقیده و عمل، سهم مؤثری در تهذیب روح دارد.

[۱] - سوره اعراف، آیه ۶۹ .

[۲] - سوره اعراف، آیه ۷۴ .

[۳] - سوره انعام، آیات ۱۵۱-۱۵۳. وحی و نبوت در قرآنصفحه ۱۷۹

هدف رسمی بعثت، تزکیه نفس و تهذیب روح است و این غرض وزن، همواره با اصلاح اخلاق همراه است؛ به گونه‌ای که بخش مهم از ره آورد وحی را توصیه‌های اخلاقی تشکیل می‌دهد؛ زیرا اخلاق ستوده، هم پشتوانه قانون است و هم مکمل و متمم آن.

۱۰- آزادی انسان

بهترین ره آورد پیامبران، نشر حریت و ترویج آزادی به‌ویژه آزادی فرهنگی است که ترقی جامعه در گرو آن است. قرآن کریم درباره ره آورد آزادی می‌فرماید: (الذين يتبعون الرسول النبي الأمي الذي يجدهم مكتوباً عندهم في التوراة والإنجيل يأمرهم بالمعروف وينهاهم عن المنكر ويحل لهم الطيبات ويحرم عليهم الخبائث ويضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم...) [۱]؛ آنان که از این فرستاده مکتب ندیده که نام او را در تورات و انجیل نوشته می‌یابند، پیروی می‌کنند؛ همان پیامبری که آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال، و چیزهای ناپاک را حرام می‌کند و از دوش آنان قید و بندهایی را که برایشان بوده است بر می‌دارد. پس، آنان که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاری‌اش کردند و از نوری که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگاراند.

ممکن است که گفته شود: آزادی به معنای سیاسی و اجتماعی آن، مفهومی مدرن است؛ گرچه اصل آزادی، سوابق فرهنگی و تاریخی بلندی دارد. گذشتگان ما هنگام سخن از آزادی، بیش‌تر آزادی درونی و آزادی از رذایل را منظور داشته‌اند؛ مثلاً وقتی «مولوی» می‌گوید:

چون به آزادی نبوت هادی است مؤمنان را ز انبیا آزادی است [۲]

[۱] - سوره اعراف، آیه ۱۵۷ .

[۲] - مثنوی معنوی، دفتر ششم، بیت ۴۵۴۱. وحی و نبوت در قرآنصفحه ۱۸۰

بیش تر به آزادی‌های روحی و معنوی و پاکی و پیراستگی از ردایل نظر دارد که برای ما کاملاً شناخته شده است؛ خواه آزادی در جهاد اوسط باشد که رهایی از نفس و حریت از اهرمن گناه و آزادی از مباحات به تباهی است، و خواه حریت در جهاد اکبر و نبرد اعظم و جنگ آجل و مصاف آغلا باشد که رهایی از هر تعلق حلال و مباح، و آزادی از هر تعیین است؛ هر چند مظهر برخی از اسمای حسنا باشد:

غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود زهر چه رنگ تعلق (تعیین نسخه) پذیرد آزاد است [۱]

در این جهاد اکبر، کوشش انسان مجاهد نستوه، بر این است که از کمند حصول برهد و به صید شهود در آید و از نهر مفهوم ذهنی بجهد و به بحر مصداق عینی هجرت کند:

ما آتش عشقیم که در موم رسیدیم چون شمع به پروانه مظلوم رسیدیم

یک حمله مردانه مستانه بگردیم تا علم بدادیم و به معلوم رسیدیم

در منزل اول به دو فرسنگی هستی در قافله امت مرحوم رسیدیم [۲]

اما نوع دوم آزادی یعنی آزادی‌های سیاسی چیزی است که ادبیات همه حکومت‌های استبداد، استعباد، استثمار، استعمار و... از آن تهی بوده است. آشنا شدن با این نوع از آزادی و دانستن نسبت آن با عدالت، کاری است که باید در فضای حکومت عقل و وحی (شریعت) صورت گیرد.

شریعت، مرزبان آزادی

در کنار مفهوم آزادی، همیشه از آفات آزادی هم سخن رفته است؛ یعنی آزادی، همواره مقید و محدود است. تعیین حدود و قیود آزادی، از نکات مهم

[۱] - دیوان حافظ .

[۲] - دیوان شمس تبریزی. وحی و نبوت در قرآنصفحه ۱۸۱

حریت‌شناسی است. هیچ‌کس در هیچ جای جهان، فتوا به آزادی بی‌حدّ و مرز و بی‌بند و بار نداده است؛ ولی تعیین مرز آزادی و شروط و قیود آن، جزء گفت‌وگوی‌های همیشگی فیلسوفان سیاست بوده است.

برخی از آنان معتقد به «آزادی عادلانه» اند؛ یعنی تنها «عدالت» است که شایستگی و توانایی محدود کردن آزادی را دارد؛ چون هیچ مفهوم و حقیقتی را نمی‌توان در مقابل آزادی نشانده، مگر آن که آن مفهوم، مفهومی مهم‌تر و عظیم‌تر و وسیع‌تر و جامع‌تر و محیط‌تر از معنای آزادی باشد؛ نظیر مفهوم عدالت. لذا، ترکیب ارزشمند و مطلوب، همانا تلفیق «آزادی عادلانه» است که تفسیر آن در پرتو شریعت روشن می‌شود.

آزادی، هم از خود تغذیه می‌کند و هم بر دست و پای خویش قید و بند می‌نهد؛ اما عدالت نیز بر آزادی قید می‌نهد. عدالت، یعنی مراعات مجموعه حقوق و ارزش‌ها که آزادی هم یکی از آن‌هاست. لذا، تألیف مزبور، مجموعه‌ای متعادل و متوازن است که به همه ارزش‌ها، از جمله آزادی وفا کند. بنابراین، حق آزادی نمی‌تواند جا را بر حقوق دیگر تنگ کند، همان‌گونه که عدالت، ارزش مستقلی نیست که جلو آزادی را بگیرد؛ بلکه

عدالت، صفتی است که یک مجموعه متعادل دارد و روشن است که تعادل مجموعه، در گرو حفظ حیات همه حقوق است، نه بعضی آن‌ها، و ضامن تعدیل همه آن‌هاست، نه تعطیل برخی از آن‌ها، و نیز متکفل تنظیم همه آن‌هاست، نه تضییق نابه‌جای بعضی از آن‌ها.

بر این پایه، سیستم اخلاقی عادلانه و آزادانه، همان نظامی است که همه پیامبران و نیز همه حکیمان و مصلحان پیرو آنان بدان توصیه کرده‌اند.

در نقد نظریه «آزادی عادلانه» باید گفت: عدالتی که در مقابل آزادی نشانده می‌شود تا آزادی را تحدید و مرزبندی کند، مفهومی است که از

جای دیگر آمده است و باید معنا و تفسیر شود. اگر آزادی نیز آزاد و رها شود، به میل خود و به سودوحی و نبوت در قرآنصفحه ۱۸۲

خویش، عدالت را معنا می‌کند و مفهوم می‌بخشد؛ این‌گونه که هر آنچه به سود اوست، عدل می‌شمرد و هر چه به زیانش است، قبح و ستم می‌خواند.

اگر پذیرفتیم که آزادی مرزی دارد و آن، عدل فرهنگی است، چنین پذیره‌ای صحیح نیست؛ بلکه این سخن، وسط راه است و باید برای

رسیدن اوحی و نبوت در قرآن - صفحه ۱۸۷]

منبع - کتاب وحی و نبوت در قرآن - آیت الله جوادی آملی